

اسلام‌گرایی در عربستان^۱

استیو میلر^۲

مترجم: حمید طالب^۳

چکیده

ناظران غربی بطور معمول از «اسلام‌گرایی» تعریف و مفهوم خاصی را اراده می‌کنند. از نظر اینان، گسترش جریان‌های اسلام‌گرا تهدیدی جدی علیه دولت‌های سکولار است. با توجه به این برداشت، «اسلام‌گرا» به جریان‌ها، گروه‌ها و افرادی افراط‌گرا اطلاق می‌شود که تلاش می‌کنند ارزش‌ها و آموزه‌های دینی خود را برای مأموریت سیاسی بزرگ‌تر به کار گیرند. این مأموریت سیاسی بزرگ‌تر، گسترش و تحمیل برداشت خود از شریعت اسلامی در سطح محلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی است. این جریان‌ها، هدف خود را به شکلی غیرمسالمت‌آمیز و با اعمال خشونت دنبال می‌کنند. در این مقاله، اسلام‌گرایی با چنین تعریفی در سه سطح سازمان‌های اسلام‌گرا، ارتباط اسلام‌گرایی با جامعه و ارتباط میان اسلام‌گرایی و دولت در کشور عربستان بررسی شده است.

واژگان کلیدی: عربستان، سازمان‌های اسلام‌گرا، اسلام‌گرایی در جامعه، اسلام‌گرایی و دولت.

۱ - از آنجا که این مقاله ترجمه‌ای از یک نویسنده غربی است، نشر آن به این معنی نیست که همه مطالب آن مورد تایید نشریه می‌باشد.

۲ . Steve Miller

۳. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، htaaleb@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۳ تاریخ تصویب: ۹۵/۸/۲۶

مقدمه

در سال ۱۷۴۴ نخستین شیخ‌نشین سعودی با صلح میان رئیس قبیله سعودی محمدبن سعود و واعظ متعصبی به نام محمدبن عبدالوهاب، تشکیل شد؛ از آن زمان تاکنون تفسیر بسیار محافظه‌کار اسلامی که اکنون با عنوان وهابی‌گری شناخته می‌شود گفتمان رسمی و مسلط در عربستان سعودی است. اگرچه وهابیت به‌طور عمده در بیشتر طول تاریخش به شبه‌جزیره عربستان محدود بوده است، در دهه ۱۹۶۰ با تلاش حکومت عربستان برای مبارزه با گسترش کمونیسم و ملی‌گرایی عرب در سراسر خاورمیانه، به جنبشی فراملی تبدیل شد. حاکمان سعودی برای کنترل این نیروها سیاستی را اتخاذ کردند که به اعضای اخوان‌المسلمین که تحت فشار حکومت‌های سکولاری همچون جمال‌الناصر در مصر بودند اجازه مهاجرت می‌داد. برخلاف وهابیت که به‌طور سنتی بر اعتقادات دینی و اجرای آیین‌ها تمرکز داشت، حسن‌البناء اخوان‌المسلمین را به‌عنوان یک جنبش اصلاح اجتماعی تأسیس کرد که با ریاست سیدقطب بیشتر به یک جنبش سیاسی تبدیل شد. قطب به ایجاد یک جماعت مسلمان جهانی (امت) امید داشت و بر این باور بود که از طریق مبارزه جهادی با جاهلیت به‌دست می‌آید (Qutb, 2007). اخوانی‌ها در نظام اداری سعودی نقش‌هایی را به‌دست گرفتند و در جامعه تلفیق شدند؛ بر نظام آموزشی تأثیر گذاشتند و برنامه‌های درسی تنظیم کردند، بخش مهمی از هیئت علمی دانشگاه را تشکیل دادند و نوشته‌های آن‌ها قفسه‌های کتابفروشی‌های محلی را پر کرد، "Saudi Arabia Backgrounder" (September 21, 2004:2).

مهاجرت این اسلام‌گرایان جامعه اسلامی عربستان سعودی را تقویت کرد؛ ولی تفسیر اخوانی‌ها از اسلام برای سلطه دینی بدون مخالف تشکیلات سعودی، چالش عمده‌ای را در این حکومت پادشاهی پدید آورد. در پاسخ به این چالش، همان‌طور که

عربستان سعودی به واردات اعضای اخوانی ادامه می‌داد، شاه‌فیصل سعودی یک سیاست خارجی اسلام‌محور را آغاز کرد که از طریق سازمان‌های تبلیغاتی همچون جامعه جهانی اسلامی، مدارس، ادبیات و گروه‌های مخالف با شکل‌های لیبرال اسلام و دیگر دین‌داری‌های «کفرآمیز» در آفریقا و آسیا، اعتقادات وهابی را صادر می‌کرد (Commins, 2009: 3-152).

سال ۱۹۷۹ نقطه عطف دیگری در تحول وهابیت بود چراکه سعودی‌ها جهاد مسلحانه‌ای را برای شکست اتحاد جمهوری‌های شوروی در افغانستان شکل دادند و شبکه گسترده‌ای از مدارس دینی را ایجاد کردند (Commins, November 13, 2007). (8) که نسل جدیدی از شیوخ و اساتید و دانشجویان را برای شرکت در این جنگ به وجود آورد. همان طور که سعودی‌های درون این حکومت پادشاهی از ایدئولوژی‌های اخوانی‌ها تأثیر پذیرفتند، سعودی‌هایی که برای جنگ به خارج از عربستان رفتند نیز تحت تأثیر مجموعه‌ای دیگر از تفاسیر اسلامی قرار گرفتند.

در همین بافت بود که جنبش‌های اسلام‌گرا در عربستان سعودی سر بر آوردند. البته این جنبش‌ها به جای حمایت سرسختانه از حکومت سعودی، اغلب با موضع رسمی سیاسی و دینی این حکومت استبدادی و روحانیان وفادار به آن مخالفت می‌کردند. لیکن امروزه موضع اسلام‌گرای سعودی بسیار متفاوت به نظر می‌رسد. این حکومت موفق شده است اکثر روحانیونی را که زمانی با آن مخالف بودند به عضویت خود درآورد و آن‌ها را به عناصر کلیدی قدرت سعودی بدل کند. با شیوع اعتراضات در سراسر خاورمیانه، روحانیون سعودی با طیف‌های سیاسی مختلف به حمایت از این رژیم پرداختند و مشروعیت آن را مورد تأیید مجدد قرار دادند. حکومت پادشاهی سعودی تاکنون با آمیزه‌ای از دین و پول و امنیت توانسته است از بدترین شورش‌های جهان عرب جلوگیری نماید.

فعالیت اسلام‌گرایی

از ویژگی‌های اسلام‌گرایی در عربستان سعودی وجود گرایش‌های رقیبی است که در

حالی که همگی محافظه‌کار و بنیادگرا هستند، دربارهٔ ارتباط میان اسلام سیاسی و جامعه عقاید متفاوتی دارند.

مخالفان^۴

یکی از این جریان‌ها را رافضی (مخالف) می‌نامند. پیروان این خط فکری با هرگونه نقش و یا نظر برای خودشان در گفتمان سیاسی و به دنبال آن در حکومت سعودی، مخالف هستند. اینان در عوض تنها بر ایمان و مناسک دینی تمرکز کرده و تمامی مکاتب فقهی اسلامی را رد کرده‌اند و تنها بر احادیث بدون واسطه از پیامبر متکی هستند. رافضی‌ها خود را به جماعت‌هایشان محدود می‌کنند که در این جماعت‌ها فرزندان‌شان را آموزش می‌دهند و به شیوهٔ بسیار سنتی زندگی می‌کنند. اینان همچون هر جنبش اسلام‌گرای دیگر یکپارچه و همگن نیستند و برخی از آن‌ها برخلاف اعتقاد اصلی این جریان، جنبش‌های اعتراضی سیاسی - اجتماعی خود را شکل داده‌اند.

معروف‌ترین این جنبش‌ها الجماعه السلفیه‌المحتسبه است که در دههٔ ۱۹۷۰ شکل گرفت و عالم دینی سوری نصرالدین الالبانی الهام‌بخش آن بوده است (Saudi Arabia, 2004, September 21, "Backgrounder") این جنبش در سال ۱۹۷۹ بطور مستقیم رژیم سعودی را به مبارزه فراخواند. در این زمان صدها تن از اعضای این جنبش به رهبری جهیمان العتیبی و برادر همسرش محمدبن عبدالله القحطانی، مسجد الحرام در مکه را به صورت مسلحانه تصرف کردند، هزاران نفر را گروگان گرفتند و اعلام کردند که مسیح یا مهدی، در سیمای قحطانی ظهور کرده است (Commins, 2009). از آنجا که این مسجد یکی از مقدس‌ترین اماکن اسلامی است، سعودی‌ها نمی‌خواستند برای پایان این محاصره به زور متوسل شوند. لیکن پس از چند روز تلاش‌های نافرجام برای بیرون کشیدن این افراد متعصب از مسجد، سعودی‌ها با کمک اطلاعات فرانسه به شکلی خشونت‌بار به محاصره پایان دادند. القحطانی طی این حمله کشته شد (Bronson, 2006: 8-147) و العتیبی و ۶۲ نفر دیگر از اعضای این جنبش بعداً

در ملاءعام گردن زده شدند (New York Times, August 2, 1987).

پس از حادثه مسجدالحرام باقی اعضای جنبش الجماعه السلفیه المحتسبه به کویت و یمن و صحرای جنوب عربستان گریختند و به حالت انزوای نسبی بازگشتند. برخلاف پایان بی حاصل محاصره مسجدالحرام، در سال‌های بعد عقاید العتیبی همچنان بر دیگران اثر می‌گذاشت. طبق نظر توماس هگامر^۵ و استفان لاروخ^۶، عقاید العتیبی نخستین تأثیر را بر ابومحمد المقدیسی رهبر برجسته سلفی جهادی اردنی نهاد؛ او نخست اعضای این جنبش را در کویت ملاقات کرد و سپس در اوایل دهه ۱۹۸۰ به عربستان سعودی سفر کرد تا «به تحصیل دین» پردازد (Hegghammer and Lacroix, 2007). به‌علاوه گفته می‌شود سه نفر که در سال ۱۹۹۵ در بمب‌گذاری ریاض نقش داشتند و همچنین «نظامیان ارشد» که بخشی از عملیات خشونت‌بار ۲۰۰۳ بودند، از دیدگاه‌های جنبش الجماعه السلفیه المحتسبه تأثیر پذیرفته‌اند (AI-'Utaybi: 117).

اما این جنبش خود حکومت سعودی را نیز تحت تأثیر قرار داد. سال محاصره مسجدالحرام برای سلطنت سعودی پرهیاهو و جنجالی بود. در همان سال انقلاب اسلامی ایران و اعتراضات شیعیان در استان نفت‌خیز شرقی عربستان سعودی و تجاوز شوروی به افغانستان رخ داد. رهبری سعودی تمامی این تحولات را تهدیدهایی جدی برای امنیت خود می‌دانست و برای تأکید بر رهبری خود بر جهان اسلام و سرکوب نمودن افراط‌گرایی داخلی، به سرعت اقداماتی اساسی را در دستور کار قرار داد. سعودی‌ها با صدور یک شکل خشونت‌بار و سیاسی شده از وهابیت که هم‌زمان به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی علیه شوروی و گرایش‌های رقیب اسلامی عمل می‌نمود، به هر دو هدف خود رسیدند (AI-Rasheed, 2007).

صحوه

یکی دیگر از گرایش‌ها جنبش صحوه («بیداری») است. زمانی که اخوان المسلمین

۵ . Thomas Hegghammer

۶ . Stephane Lacroix

شهرتی جهانی یافت علمای صحوه در دهه ۱۹۶۰ شکل گرفتند. نتیجه طبیعی تعامل آن‌ها با اعضای اخوان المسلمین آن بود که ایدئولوژی علمای صحوه ترکیبی از آموزه‌های سلفی-وهابی و فعالیت سیاسی اخوانی‌ها گردید (Beranek, January 28, 2009:3). صحوه به هیچ وجه همگن و منسجم نیست و دسته‌ای بسیار متنوع است که علمای دینی، عالمان علوم طبیعی، دکتراها و دانشگاہیان را در بر می‌گیرد. اینان به طور معمول حداقل به دو اردوگاه اصلی تقسیم می‌شوند: اول کسانی که پیروی حسن البنا بنیان‌گذار اخوان هستند و دوم کسانی که از جانشین وی، سید قطب پیروی می‌کنند. توانایی آن‌ها برای توجه به مسائلی همچون سیاست که خارج از گستره تشکیلات دینی رسمی عربستان است در اصل جاذبه‌های عمومی گسترده‌ای را برای آن‌ها ایجاد کرده است (AI-Rasheed, 2007).

فهد پادشاه اسبق عربستان پس از تجاوز صدام حسین به کویت در سال ۱۹۹۰، برای دفاع از شبه‌جزیره عربستان به یک ائتلاف نظامی غیراسلامی تحت رهبری امریکا اعتماد کرد. صحوه در سال ۱۹۹۰ به جهت مخالفت خصمانه با این پیمان نظامی بسیار معروف شد. این تصمیم سلطنتی به واسطه فتوایی از سوی مفتی اعظم، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مشروعیت یافته بود. دو روحانی مرتبط با صحوه یعنی سلمان العده و صفار الحوالی به این مفتی غضب کرده و در محکوم نمودن استبداد سعودی و بنیادهای دینی این تصمیم، مجالس وعظ برگزار کردند (Beranek). اینان به همراه دیگر روحانیون برجسته صحوه بر این باور بودند که مشروعیت رهبری آل سعود و بنیادهای دینی رسمی سعودی، به واسطه این همکاری با غرب برای همیشه از بین رفته است (Ahrari, Summer 1999). پس از آن، صحوه، اسلامی‌سازی بیشتر جامعه سعودی را مطالبه کرد و نقش برجسته‌تری را در امور خارجی و اجتماعی خواستار شد. (Bronson, Autumn 2005:127). اینان بین سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ به همراه دو عالم دینی دیگر دو نامه انتقادی عمومی عمده را علیه شاه عربستان ترتیب دادند. نخستین نامه انتقادی با عنوان «نامه مطالبات» را ۴۰۰ نفر از علما امضا کردند و در آن خواستار مقررات سخت‌گیرانه‌تری در حوزه عمومی شدند. دومین نامه تحت عنوان «یادداشت

نصیحت» را ۱۰۷ نفر از علما امضا کردند که بیش از حد معمول بی‌پرده و گسترده بود. این نامه انتقادی خواستار آن شده بود که شاه عربستان آموزش حقوق غربی را غیرقانونی اعلام کند، یک لشکر پانصدهزار نفری برای جنگ با یهودیان و کمک به مسلمانان ایجاد کند و کمک‌های خارجی به رژیم‌های ملحد را پایان دهد (Bronson: 212-3).

در سال ۱۹۹۴، العده و الحوالی و نزدیک ۱۳۰۰ نفر از اعضای صحوه به جهت مخالفت شدیدشان با رژیم سعودی دستگیر شدند (Bachar: 18). پنج سال حبس آن‌ها در زندان تنها موضع این علما را در نظر پیروان‌شان تقویت کرد و حتی نسبت به علمای رسمی مشروعیت عمومی بیشتری به آن‌ها داد و این باعث وحشت سران حکومت شد. وقتی این افراد در سال ۱۹۹۹ آزاد شدند حکومت سعودی دو گزینه پیش روی آن‌ها قرار داد که یا از انظار عمومی غایب شوند و یا به اقتدار حکومت تن دهند. اینان دومی را انتخاب کردند و در نتیجه صحوه فروریخت. برخی از اعضای صحوه از آن زمان به دیگر جنبش‌های اسلام‌گرای سعودی از جمله گرایش جهادگرا پیوستند و برخی دیگر اسلام‌گرایی را به کلی رها نمودند. لحن اعضای ثابت قدم صحوه نیز تغییری اساسی نمود: اینان دیگر به ندرت حکومت سعودی و یا بنیادهای دینی آن را نقد می‌کردند. در حقیقت اینان به دفاع از رژیم محکوم کردن مخالفینی روی آوردند که تلاش می‌کردند ثبات این حکومت پادشاهی را سست نمایند.

جهادی‌ها

یک گرایش متمایز جهادی نیز در جامعه سعودی آشکار است که با برآمدن شبکه اسامه بن‌لادن به روشنی و با بدنامی محدود شد. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که القاعده در پیشاور پاکستان و توسط بن‌لادن و نظریه‌پرداز جهادی فلسطینی عبدالله اعظم، در پایان جنگ شوروی و افغانستان (۱۹۸۹ تا ۱۹۷۹) شکل گرفت. این جنبش از اداره‌ای به نام مکتبه الخدمات رشد نمود که به شکل لجستیک و اطلاعاتی جهاد افغان را پشتیبانی می‌کرد.

پس از شکست شوروی بسیاری از مجاهدین در نظر برادران مسلمان خود به صورت قهرمان جنگی به میهن بازگشتند و سال ۱۹۹۰ زمانی حیاتی برای تحول القاعده بود. حس شکست‌ناپذیری بر «عرب‌های افغان» سایه افکند و پس از اینکه ارتش صدام حسین به کویت حمله کرد بن‌لادن از فهد پادشاه عربستان خواست به افرادش که در جنگ افغانستان شرکت کرده بودند اجازه دهد از شبه جزیره عربستان، زادگاه اسلام، دفاع کنند. فهد که نمی‌خواست امنیت شبه‌جزیره را به مجاهدین واگذار نماید درخواست بن‌لادن را رد کرد و در عوض به سرعت ائتلافی غربی را که تحت رهبری آمریکا با ارتشی ۵۰۰ هزار نفری بود برای این مأموریت پذیرفت. بن‌لادن بعدها گفت عربستان سعودی «به امت اسلامی خیانت کرد و در عوض با کمک و یاری کفار علیه مسلمانان به کفر پیوست» (Raymond).

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ درگیری‌ها در جهان اسلام (چچن و کوزوو و سرزمین‌های فلسطین) و یک شبکه جذب نیرو در عربستان سعودی، بن‌لادن را قادر ساخت تا موجی از سعودی‌ها را به اردوگاه‌های آموزشی القاعده در افغانستان جذب نماید. مشهور است که عملیات‌های القاعده از سوی افراد و سازمان‌های سعودی به خوبی تأمین مالی می‌شود. در سال ۲۰۰۴ کمیسیون یازدهم سپتامبر گزارش داد که بن‌لادن شبکه مالی غیررسمی از مؤسسات خیریه، شامل بنیاد اسلامی الحرمین و دیگر سازمان‌های غیردولتی، ایجاد کرده که به سرمایه‌گذاران سعودی و خلیج کمک می‌کند منابع مالی خود را به جنگ اعراب در افغانستان و سپس به القاعده ارسال کنند. (The Commission Report", July 22, 2004).

در اوایل سال ۲۰۰۲ پس از آنکه شکست طالبان، پایگاه عملیاتی القاعده در افغانستان را به خطر انداخت بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر از اعضای سعودی این شبکه به عربستان سعودی بازگشتند. پس از آن دو هسته مستقل شکل گرفت و این سازمان با ذخیره‌سازی سلاح‌ها، اجاره خانه‌های امن، برپایی اردوگاه‌های آموزشی و استخدام دیگر «عرب‌های افغان» برای عملیات‌ها آماده می‌شدند (Hegghammer, 2008). این اعضا تقریباً همگی مرد بودند به جز تعداد کمی از زنان که در تدارکات نظامی یا مبارزه رسانه‌ای این گروه

مشارکت داشتند. نظامیان القاعده، با متوسط سنی ۲۷ سال، به‌طور معمول از دیگر اعضای گروه‌های اسلام‌گرا مسن‌تر بودند و اغلب آن‌ها تنها تا سطح دبیرستان یا پایین‌تر از آن تحصیل کرده بودند (Hegghammer, Winter2006:42). این هسته‌ها را به‌طور عمده از سعودی‌ها تشکیل شده بود اما درصد کمی از ملیت‌های خارجی را نیز در خود داشت. ذکر این نکته جالب است که اکثریت اعضای القاعده از مناطقی بودند که به‌طور معمول جزء مناطق دین‌داران بسیار محافظه‌کار و یا مناطق فقیر روستایی به‌شمار نمی‌آمدند؛ بلکه اکثریت قاطع اعضای این سازمان را شهرنشینانی از ریاض تشکیل می‌دادند که اکثر آن‌ها تجربه نبرد در افغانستان را داشتند، نبردی که نخست علیه شوروی و سپس علیه آمریکا صورت گرفت (Hegghammer, Winter2006:45).

قدرت تلاش‌های ضدتروریستی سعودی در نهایت، شاخه محلی القاعده را مجبور ساخت به آنسوی مرز یمن نقل مکان کنند. در ژانویه ۲۰۰۹ شاخه‌های سعودی و یمنی القاعده تلفیق شدند و القاعده شبه جزیره عربستان (AQAP) را تشکیل دادند و شماری از سعودی‌ها در این نمایندگی جدید پست‌های رهبری را به‌دست گرفتند (Al Jazeera (Doha), December29, 2009). القاعده شبه جزیره عربستان تنها در سال نخست فعالیت خود به تهدیدی جدی بدل شد، در آگوست ۲۰۰۹ این سازمان تقریباً موفق شد قائم‌مقام وزیر کشور وقت سعودی شاه‌زاده محمدبن نایف را طی یک اجتماع در خانه‌اش در جده ترور نماید (Coker, August29, 2009). سپس تنها چند ماه بعد القاعده شبه جزیره، روز کریسمس پرواز خطوط هوایی نورث‌وست را که از یمن به دیترویت حرکت می‌کرد بمب‌گذاری کرد که نافرجام بود (O'Connor and Schmitt, December25, 2009) یک نیجریه‌ای با مواد منفجره در زیر لباس خود قصد داشت این مأموریت را انجام دهد.

با وجود موفقیت‌های اولیه ضدتروریستی عربستان سعودی، عوامل القاعده شبه جزیره در این کشور فعالیت می‌کردند. در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۱۲ مقامات سعودی ظاهراً بیش از ۵۰۰۰ نفر مظنون به همکاری با القاعده را دستگیر کردند. از جمله برخی افراد در این میان قرار داشتند که متهم بودند کانون‌هایی برای هماهنگی حملاتی علیه

نظامی‌های آمریکایی در کویت و قطر تشکیل داده‌اند (Saudi Arabia Puts, April 8, 2012). سپس در آگوست ۲۰۱۳ نیروهای امنیتی سعودی دو تبعیدی از یمن و چاد را دستگیر کرد که گفته شد قصد دارند حملات انتحاری صورت دهند. به‌علاوه پادشاهی عربستان گزارش داد که این افراد با طرح بزرگتری از القاعده در ارتباط بوده‌اند که وزارت کشور آمریکا را مجبور می‌کرد ۱۹ مأموریت دیپلماتیک در این منطقه را لغو کند (Allam, August 9, 2013).

دیگر شهروندان سعودی به جهت ارتباط احتمالی با القاعده شبه‌جزیره تحت تعقیب باقی ماندند. به‌ویژه وزارت کشور عربستان فهرست‌های جداگانه‌ای از ۴۷ و ۸۵ نفر افراد مختلف «شدیداً تحت تعقیب» را تهیه کرد. تا آگوست ۲۰۱۳، تعداد ۴۲ نفر از ۴۷ نفر و ۷۵ نفر از ۸۵ نفر دستگیر نشده‌اند ("Wanted Terrorists: List 47," August 16, 2013).

شیعیان

آخرین گرایش اسلام‌گرایی عربستان سعودی در اقلیت شیعه این کشور ریشه دارد. شیعیان سعودی که از زمان محمدبن عبدالوهاب در این کشور خارج از دایره ایمان دانسته می‌شوند همچنان در وضعیت کنونی این کشور بسیار نادیده گرفته می‌شوند (Moussalli, January 2009: 6). اسلام‌گرایان شیعه هیچ‌گاه به اندازه صحوه یا حتی جهادی‌ها در عربستان سعودی سازماندهی نشده‌اند؛ با این حال مواردی از فعالیت اسلام‌گرایی شیعه ارزش بحث دارد. یک رخداد مخالفت شیعه در اوایل سال ۱۹۸۰ با برآمدن انقلاب اسلامی ایران رخ داد که به دفعات مستند شده است. کانال عربی رادیو تهران برای شیعیان عربستان تبلیغاتی علیه رژیم سعودی پخش می‌کرد. این تبلیغات باعث ایجاد شورش‌های در قطیف شد که طی آن شهروندان به بازار مرکزی شهر حمله کردند (Bronson: 147). از آن زمان حکومت سعودی نسبت به ایجاد خشونت‌های جدید و همچنین تأثیر ایران بر امور داخلی عربستان بسیار حساس شده است.

به نظر می‌رسد حرکت بیداری اسلامی در میان جماعت شیعه سعودی ناآرام و

مخالف باعث برافروختن خشونت شده است. اندکی پس از آغاز اعتراضات در تونس در دسامبر ۲۰۱۱، اسلام‌گرایان شیعی در عربستان سعودی به سازماندهی خود از طریق ابزارهای شبکه‌های اجتماعی همچون فیسبوک و توئیتر پرداختند و برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی، همچون انتقال به یک سلطنت مشروطه و پایان تبعیض فرقه‌ای [که باعث ایجاد خشم زیاد برای این جماعت اقلیت شده است] طومارهایی تنظیم کردند. پس از آنکه نیروهای امنیتی، به روحانی برجسته شیعه نمر النمر به خاطر تحریک «آشوب‌گری» حمله کرده و او را دستگیر کردند، در جولای ۲۰۱۲ اعتراضات خشونت‌بار در استان شرقی، موطن اکثر جماعت شیعی و همچنین بیشتر منابع نفتی کشور، فوران کرد. (BBC, July9, 2012).

خشم شیعیان در هفته‌های پس از بازداشت نمر ادامه یافت اما مقامات سعودی وقتی طی این راهپیمایی دو نفر را به ضرب گلوله از پا در آوردند، بر آتش این اعتراضات افزوده شد (Matthiesen, July10, 2012). وقتی ده‌ها هزار از عزاداران خشمگین پیکر سه نفر از جوانان شیعی را که نیروهای امنیتی سعودی کشته بودند در خیابان‌های عوامیه حمل می‌کردند و شعار «مرگ بر آل سعود» سر می‌دادند، معترضان در استان شرقی در اکتبر ۲۰۱۲ افزایش یافتند.

تا اوایل سال ۲۰۱۳ تنش‌های میان حکومت و جماعت شیعی فروکش نکرد. تقریباً ده ماه پس از اینکه مقامات سعودی روحانی شیعی معروف نمر النمر را دستگیر کردند، در مارس ۲۰۱۳ وی را به جهت «ایجاد اختلاف» و «تضعیف وحدت ملی» محاکمه کردند ("Saudi Arabia, May11, 2013").^۷ در این زمان برخوردهای میان جوانان شیعی و نیروهای امنیتی در استان شرقی ادامه یافت تا آتش خشم عمومی نسبت به این سلطنت برافروخته باقی بماند. طبق گزارش‌های موجود از سال ۲۰۱۱، حداقل ۱۹ نفر شیعه را نظامیان و پلیس سعودی کشته است (Reuters, June22, 2013).

۷ - نمر باقر النمر که در پی اعتراضات شیعیان عربستان در سال ۲۰۱۲ بازداشت شد و در روز چهارشنبه ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ دادگاه جنایی عربستان سعودی به دلیل اقدام علیه امنیت ملی و محاربه، به «اعدام یا شمشیر و به صلیب کشیده شدن در انظار عمومی» محکوم و در ۲ ژانویه ۲۰۱۶ اعدام شد.

اسلام‌گرایی و جامعه

حکومت سعودی از ثروت نفت برای راضی کردن شهروندان و تطمیع مخالفان استفاده می‌کند و وهابی‌ها به وفاداری نسبت به ولی امر دستور می‌دهند؛ بنابراین جنبش‌های اسلام‌گرا در عربستان سعودی نتوانسته‌اند برای ایجاد چالشی مداوم و یا جدی برای خاندان سعود حمایت اجتماعی کافی را به دست آورند؛ با این حال اسلام‌گرایان سعودی از حمایت عمومی به میزان چشمگیری برخوردار هستند.

روحانیون صحوه وقتی اعتبار اسلامی خاندان حاکم و بنیادهای دینی آن را در سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ به چالش کشیدند بسیار معروف شدند. حبس آن‌ها بر جایگاه و معروفیت آن‌ها افزود. روحانیون صحوه از آن زمان نقد خود نسبت به رژیم را مسکوت گذاشته‌اند؛ اما بسیار تأثیرگذار باقی مانده‌اند. در سال‌های اخیر حتی دیکتاتورهای عرب رقیب به دنبال کسب مهر تأیید از رهبران صحوه بوده‌اند. به‌عنوان مثال روزنامه سعودی العربیه در ۲۷ فوریه ۲۰۱۱ گزارش داد که پسران رهبر لیبی معمر القذافی، به نام‌های سیف‌الاسلام و السیدی از العده و عائض القرنی خواسته‌اند فتاوایی برای ممنوعیت راهپیمایی‌ها در لیبی صادر کنند. این دو روحانی چنین درخواستی را رد کردند اما این رخداد جایگاه پایدار این روحانیون در جهان عرب و اسلام را برجسته می‌سازد. به‌علاوه از آنجا که شماری از روحانیون صحوه از اینترنت برای تبلیغ پیام خود استفاده می‌کنند، بر شهرت‌شان افزوده شده است. در سال ۲۰۱۱ [نشریه] خاورمیانه فوربز^۸ سلمان العوده را چهارمین نفر در فهرست ۱۰۰ نفری «توئیتی‌ها» قرار داد. تا اگوست ۲۰۱۳ وی بیش از ۳/۴ میلیون نفر کاربر توئیتی و نزدیک به ۱/۵ میلیون کاربر در فیس‌بوک داشته است. اما روحانیون سعودی محمد العریفی و عائض القرنی در رسانه‌های اجتماعی از العوده پیشی گرفته‌اند. تا همان تاریخ، العریفی بیش از کل جمعیت اردن کاربر توئیت داشت (۶/۳ میلیون نفر).^۹

۸. Forbes Middle East

۹. <http://twitter.com/MohamadAlarefe>; For his Facebook page

به‌همین ترتیب القرنی نیز یک فرد موفق در رسانه‌های اجتماعی است. که با ۴/۱ میلیون نفر کاربر، بیشتر از کاخ سفید کاربر توئیتری داشته است.^{۱۰}

افزایش معروفیت صحوه می‌تواند عامل نگرانی باشد؛ چراکه برخی از روحانیون در گذشته از نفوذ آن‌ها برای دفاع و حمایت از خشونت استفاده کرده‌اند. یکی از تجلی‌های آشکار اینان آن بود که توانستند در سال ۲۰۰۴ سعودی‌ها را برای جنگ علیه نیروهای ائتلاف بسیج نمایند. در شب حصر فلوجه توسط آمریکا، بیست‌وشش روحانی برجسته علیه ائتلاف «متجاوز» یک «موعظه مفصل خطاب به مردمان نظامی عراق» امضا کردند.^{۱۱} اندکی پس از آن تعداد سعودی‌هایی افزایش یافت که برای جنگ علیه نیروهای غربی به عراق رفتند (Hegghammer, June 12, 2008). اخیراً در ژوئن ۲۰۱۲ شماری از روحانیون برجسته تلاش کردند در یک حرکت جمعی به شورشیان سوری که علیه رژیم بشار اسد مبارزه می‌کردند، کمک‌رسانی کنند. با این حال یکی از سازمان‌هایی که انتقال کمک‌های مالی را تسهیل می‌کرد جامعه‌ی احیای میراث اسلامی کویت بود. این نهاد یک بنیاد خیریه است که پیشتر به جهت مسلح کردن و کمک مالی به القاعده، آمریکا و سازمان ملل آن را تروریستی دانستند (Schanzer and Miller, June 12, 2012).

باوجود حمایت نیرومند روحانیون و مردمان سعودی از انواع فعالیت‌های جهادی، سعودی‌ها از حملات القاعده در داخل این کشور حمایت نمی‌کنند. به‌طور کلی اعضای سعودی القاعده که از پیکارهای مبارزه خارجی به کشور بازگشتند، نسبت به کل جامعه‌ی سعودی به میزان درخور توجهی افراطی‌تر بوده‌اند (Hegghammer, Winter 2006)؛ در نتیجه روحانیون برجسته صحوه که از سال ۲۰۰۳ حامیان وفادار حکومت شده بودند، حملات داخلی آن‌ها را محکوم می‌کردند. به‌علاوه شورش عراق با حمایت

^{۱۰} <https://twitter.com/Dcalqarnee>; For his Facebook page.

^{۱۱} "The House of Saud: The Fatwa of the 26 Clerics: Open Sermon to the Militant Iraqi People," PBS Frontline, February 8, 2005, <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/saud/etc/fatwa.html>.

مردمی مواجه شد و باعث شد در عربستان سعودی، توجه و منابع مالی از القاعده دور شوند. برای بسیاری از سعودی‌ها که از نظر ایدئولوژیک مایل به جنگ بودند، مناقشه عراق مشروعیت بیشتری داشت چراکه جهادی دفاعی علیه تجاوز غربی بود (Hegghammer, 2008).

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس به جهت کمک مالی به تروریسم در خارج از مرزهایشان، انتقاد شده است. در سال ۲۰۰۷ استوارت لوی، معاون سابق خزانه‌داری در اطلاعات تروریسم و امور مالی، گفت که «اگر به گونه‌ای می‌توانستم ناگهان دست ببرم و سرمایه‌گذاری‌های مالی یک کشور را قطع کنم، آن کشور عربستان سعودی است» (Ross, September 11, 2007).

تعیین میزان دقیق اموالی که پای سعودی‌ها را به تروریسم می‌کشاند بسیار مشکل است لیکن مؤسسه‌های خیریه اسلامی به عنوان منابع اصلی سرمایه‌های غیرقانونی برجسته هستند. از آنجا که پرداخت زکات یکی از اصول پنج‌گانه اسلام است، به این بهانه این مؤسسات مبالغ چشمگیری را به شکلی بی‌نام و از تمامی بخش‌های جامعه دریافت می‌کنند.

گفته می‌شود که این الگوی تأمین بودجه به سی سال گذشته بازمی‌گردد. به‌طور خاص کمیسیون یازدهم سپتامبر به «شبکه طلایی» اشاره می‌کند که شبکه‌ای از سرمایه‌گذاران خلیج و دیگر سعودی‌هایی است که اسامه بن‌لادن برای جمع‌آوری و هدایت منابع مالی، برای جهاد ضد شوروی، طی دهه ۱۹۸۰، در افغانستان از آن استفاده می‌کرد. این سرمایه‌گذاران از مؤسسه‌های خیریه و دیگر سازمان‌های غیر دولتی (ان‌جی‌او) به عنوان مجرای برای انتقال کمک‌های خود به جهاد استفاده می‌کردند و این شبکه بعدها در ایجاد پایگاه القاعده در افغانستان در اواخر دهه ۱۹۹۰ مؤثر واقع شد (Blanchard and Prados, September 14, 2007:6).

اما گفته می‌شود مؤسسه‌های خیریه سعودی به گروه‌های تروریستی در جاهای دیگر نیز کمک مالی می‌کنند. در سال ۲۰۰۴ خانواده‌های قربانیان حمله تروریستی در اسرائیل

از طریق دادگاه حوزه نیویورک، دو دعوای حقوقی مدنی علیه بانک عربی اردن^{۱۲} اقامه نمودند. این خانواده‌ها با درخواست دومیلیارد دلار خسارت، مؤسسه خیریه «کمیته سعودی برای حمایت از انتفاضه القدس» را که دارای مجوز دولتی بود، محکوم به این کردند که عوامل این مؤسسه از طریق شعبه‌های بانک عربی در سرزمین فلسطین، به دنبال سرازیر کردن منابع مالی بوده‌اند تا برای خانواده‌های بمب‌گذاران انتحاری و دیگر کسانی که در مبارزه با اسرائیل کشته شده‌اند «حق بیمه» فراهم کنند (Blanchard and Prados, September 14, 2007:8). گرچه بانک عرب این را انکار کرد که از پیش می‌دانسته از طریق شعبه‌هایش به خانواده‌های بمب‌گذاران انتحاری، پرداخت صورت می‌گرفته است، اما مدیر اجرایی این کمیته سعودی بیان داشت: «ما از خانواده‌های شهدای فلسطینی حمایت می‌کنیم بدون اینکه تفاوتی قائل باشیم بین فلسطینی‌هایی که بمب‌گذار بوده‌اند و یا کسانی که نظامیان اسرائیلی آن‌ها را کشته‌اند» (Qusti, May 27, 2002).

از دیگر سرمایه‌گذاری‌های غیرقانونی این بود که روزنامه پاکستانی فجر بر مبنای افشای پیامی که در سال ۲۰۰۸ از کنسولگری آمریکا در لاهور برای وزارت کشور ارسال شده بود، گزارشی را تنظیم کرد. طبق این پیام ادعا شده بود که سرمایه‌گذاران عربستان سعودی و امارات متحده عربی سالانه نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار به روحانیون دیوبندی و اهل حدیث در بخش جنوبی پنجاب کمک می‌کنند. در عوض، این روحانیون خانواده‌هایی را که دارای چندین فرزند هستند و مشکلات شدید مالی دارند، برای عضوگیری هدف قرار می‌دهند و ابتدا تظاهر می‌کنند که مقاصد خیریه دارند. سپس یک مولانای دیوبندی یا اهل حدیث در مدرسه خود به این بچه‌ها آموزش می‌دهد و «آنان را در امر خدمت به اسلام مشغول می‌سازد». روحانیون طی دوره تحصیل بچه‌ها را زیر نفوذ و القای خود قرار داده و «امکان پرداختن آن‌ها به خشونت و پذیرش فرهنگ جهادی» را می‌سنجند. سپس به ازای هر فرزند که برای عملیات

«شهادت» انتخاب شود مبلغ ۶۵۰۰ دلار به والدین پرداخت می‌پردازند (Qurat ul ain
(Siddiqui, May 22, 2011).

اسلام‌گرایی و دولت

حاکمیت خاندان آل سعود، تاریخی طولانی در سرکوب چالش‌های اسلام‌گرا داشته است تا بقای خود بر قدرت را حفظ نماید. طی اواسط دهه ۱۹۱۰، آل سعود با نخستین شورش اسلام‌گرای عمده از سوی گروهی به اسم اخوان مواجه شدند. چندین دهه پیش از این نزاع، اخوان چادرنشینی بیابانی بودند که علمای وهابی برای گسترش قلمروی سعودی، آن‌ها را مسلمان کردند. وهابی‌ها اخوان را در جماعت‌های کوچکی به نام حجره جمع کردند که معنای آن «مکان مهاجرت» است و در آن حجره‌ها روند اسلام‌آوردن انجام می‌شد. این ابزاری نیرومند برای سعودی‌ها بود تا مناطقی از عربستان را که خودشان بت‌پرست می‌دانستند پاک‌سازی نمایند و در عین حال اصول وهابی را به مردان قبیله و رهبران قوم آموزش دهند (Commins, 2009).

به‌طور کلی اینان هواداران دواآتشی قرائتی سلفی-وهابی از مفهوم الولا و البراعه (پیوند با مسلمانان و دوری جستن از کفار) هستند. مفهوم الولا و البراعه اصل اساسی ایدئولوژی جهادی معاصر است. در سال ۱۹۱۴ اینان به سربازان دینی سازش‌ناپذیری معروف شدند که توحید را اجبار می‌کردند و کسانی را که از پیروی از این «راه درست» سر باز می‌زدند، به‌شدت مجازات می‌کردند (Al-Rasheed, 2002: 44). اما وقتی اخوان شهرها را به تصرف در آوردند و با بی‌رحمی به قتل چادرنشینان از جمله زنان و کودکان پرداختند که از گرایش به اسلام امتناع می‌کردند، دشمنانی برای آل سعود به وجود آمد. این امر آنان را در نزاع مستقیم با آل سعود قرار داد یعنی کسی که با حمایت نظامی از جانب انگلیس، عربستان را تصاحب کرده بود (Al-Rasheed, 2007).

آل سعود و رهبران وهابی تلاش کردند اخوان را تعدیل کنند و اوایل سال ۱۹۲۷ کنفرانسی در جده تشکیل دادند تا به یک تفاهم دست یابند. اخوان خواستار وضع قوانین سخت‌تری برای حکومت بر شیعیان شد، شرطی که آل سعود آن را پذیرفت اما

[آل سعود] به‌علاوه درخواست کرد که وهابی‌ها وی را تنها مقام مشروع در زمینه سیاست خارجی و جهاد بشناسند. همچنین وی آنان را از حمله به قلمروی انگلیس در عراق و منطقه شرق اردن منع کرد (Commins, 2009: 88-89).

با این حال اخوان از این ناراضی بودند که آل سعود از آنان می‌خواست نقش‌شان را به‌عنوان گروه ضربت و تحمیل‌کننده دینی تعدیل نمایند اما در این سرزمین‌های تازه تصاحب شده به آنان مقام فرماندهی و حکمرانی نمی‌داد (Commins, 2009). در نهایت در دسامبر ۱۹۲۸ زمانی که اخوان به کاروانی از تجار در دژ نظامی وهابی حمله کرد این دشمنی به اوج خود رسید. آل سعود این را حمله‌ای به مردم خود تلقی کرد و در واکنش به آن در فاصله مارس ۱۹۲۹ و ژانویه ۱۹۳۰، نظامی‌های آل سعود به جنگ با اخوان پرداختند و در نهایت آن‌ها را به تسلیم شدن مجبور کردند. لیکن آل سعود به‌جای مجازات سخت اخوان، برای اینکه آن‌ها را آرام کند مجازات را با نوسازی دینی همراه ساخت (Commins, 2009). این رویکرد دوگانه بعدها محصول عمده جنگ سعودی‌ها علیه جهادی‌ها شد.

در کل قرن بیستم حکومت سعودی و تشکیلات دینی رسمی وهابی آن از ابزارهای هجرت، تکفیر و جهاد برای تقویت حکومت سیاسی عربستان استفاده می‌کردند. هجرت باعث می‌شد افراد به سرزمین عربستان سعودی مهاجرت کنند که در ساکن کردن و آموزش چادرنشینان مفید بود. بعدها از تکفیر برای حمایت دینی از جنگ‌هایی استفاده کردند که علیه رهبران سکولار عرب همچون جمال عبدالناصر و صدام حسین صورت می‌گرفت و از جهاد برای حمایت از جوانان برای مبارزه‌های مسلحانه علیه دشمنان اسلام در افغانستان و جاهای دیگر استفاده کردند. (Al-Rasheed, 2007)

صدور وهابیت

در زمان حکمرانی شاه فیصل، سعودی‌ها از سیاست حمایت از نهادهای اسلامی خارج از کشور استفاده کردند تا از گسترش سکولاریسم و کمونیسم جلوگیری کنند.

در سال ۱۹۶۲ اینان از اتحادیه جهانی مسلمانان برای تسهیل گسترش ایدئولوژی وهابی استفاده کردند. این اتحادیه از فرقه‌ها و سازمان‌هایی در سراسر جهان حمایت کرد که فرقه‌های «کفرآمیز» اسلامی را به چالش کشیده‌اند و اعمال دینی عامه‌پسندی را حذف می‌کنند که طبق تفسیر وهابی ممنوع هستند. اتحادیه مسلمانان جهان به سرعت از دیوبندی‌ها و اهل حدیث و جماعت اسلامی در جنوب آسیا حمایت کردند و در عین حال در کشورهای غرب آفریقا همچون نیجریه، مالی، غنا، ساحل عاج و گینه آثار اسلامی را توزیع و مدارس را تأسیس کردند (Commins, 2009: 3-152).

سعودی‌ها پس از اتحادیه جهانی مسلمانان به ایجاد سازمان‌های تبلیغی دیگری همچون مجمع جهانی جوانان مسلمان^{۱۳} در سال ۱۹۷۲ و بنیاد الحرمین^{۱۴} و سازمان جهانی خیریه اسلامی^{۱۵} پرداختند. حکومت سعودی در فاصله سالهای ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۲ بیش از ۸۰ میلیارد دلار فقط در [ایجاد] نهادهای اسلامی و دیگر فعالیت‌ها در کشورهای غیرمسلمان هزینه کرده است و به ۱۵۰۰ مسجد، ۱۵۰ مرکز اسلامی، ۲۰۲ کالج اسلامی و ۲۰۰۰ مدرسه اسلامی کمک کرده است. (Alexiev, March, 2011: 44)

به موجب سرمایه‌گذاری سعودی‌ها در آسیا، بیش از ۱۰ هزار مدرسه دیوبندی در هند و پاکستان و بنگلادش فعالیت می‌کنند (Alexiev, October 28, 2002) و در افغانستان حکومت سعودی در حال حاضر به ساخت یک مسجد و مرکز آموزش اسلامی ۱۰۰ میلیون دلاری در کابل مبادرت کرده است که وقتی در سال ۲۰۱۶ افتتاح شود یکی از بزرگترین مساجد کشور خواهد بود (Graham-Harrison, November 2, 2012)

سعودی‌ها با عملیات بی‌سابقه توسعه‌ای خود، اکنون مسئولیت حدود ۸۰ درصد از تمامی نهادهای اسلامی در آمریکا و کانادا را بر عهده دارند؛ اما پس از یازدهم سپتامبر نهادهای اسلامی در آمریکا تحت بررسی و نظارت سنگینی قرار گرفتند که به حدود

۱۳. World Assembly of Muslim Youth (WAMY)

۱۴. Al Haramain Foundation

۱۵. International Islamic Relief Organization (IIRO)

۵۰ مرکز از آن‌ها حمله شده یا تعطیل شدند یا به جهت مشکوک بودن به ارتباط با تروریسم، دارایی‌هایشان مسدود شد که اغلب آن‌ها تحت حمایت مالی و کنترل سعودی‌ها بودند. از جمله این مؤسسات می‌توان به اتحادیه جهانی مسلمانان، مجمع جهانی جوانان مسلمان، بنیاد الحرمین، بنیاد سلیمان بن عبدالعزیز الراجحی (SAAR)، مؤسسه بین‌المللی تفکر اسلامی^{۱۶} و مدرسه علوم اسلامی و اجتماعی^{۱۷} اشاره کرد (Alexiev, October 28, 2002).

مبارزه با تهدیدات جهادی در کشور

رویکرد سعودی برای مبارزه با تهدیدات جهادی ایجاد شده توسط القاعده، بسیار گسترده بوده است و با تمرکز بر «افراد و پول و ساختار فکری» انجام شده است. نیروهای امنیتی سعودی در یک اقدام مهم بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸، با دستگیری و کشتن هزاران نفر از ستیزه‌جویان و همکاران آن‌ها که مظنون به طراحی حملات بودند، کانون‌های القاعده را در این حکومت پادشاهی متلاشی کردند. مأمورانی از وزارت امور اسلامی برای زیر نظر گرفتن کسانی که حکومت ادعا می‌کند ایدئولوژی‌های «منحرفی» دارند، به کنترل ده‌ها هزار مسجد از حدود ۷۰ هزار مسجد این کشور ادامه می‌دهند (U.S. Government Accountability Office, September 2009 :13).

حکومت سعودی دو برنامه نوسازی دینی را اجرا می‌کند: برنامه مشاوره دولتی و برنامه مستقل ولی مورد حمایت دولت تحت عنوان السکینه (Rabasa et al). هر دو برنامه بر روحانیونی تکیه می‌کند که برخی از آن‌ها افرادی هستند که پیشتر افراطی بوده‌اند. این روحانیون در تلاش برای اثبات اینکه درک این افراد «منحرف» نسبت به اسلام اشتباه است به بحث‌های کلامی با آن‌ها می‌پردازند. زندانی‌هایی که در خاک سعودی عملیات تروریستی انجام نداده‌اند و بتوانند ثابت کنند که از دیدگاه‌های افراطی خود صرف نظر کرده‌اند، آزاد می‌شوند و با پیشنهاد شغل، پرداخت مستمری ازدواج،

۱۶. International Institute of Islamic Thought

۱۷. School of Islamic and Social Sciences

آموزش، اتومبیل و منزل مسکونی از آن‌ها حمایت می‌شود. اگرچه سعودی‌ها ادعا می‌کنند در برنامه‌های بازپروری شان ۱۰۰ درصد موفق بوده‌اند، برآوردهای اخیر نسبت نرخ‌های اعتیاد به ارتکاب جرم [نرخ بازگشت افراطی‌های «بازپروری شده» به ستیزه‌جویی] را بین ۲۰ تا ۴۰ درصد نشان می‌دهد (Hayes and Joscelyn, January 12, 2011) با این حال این اعداد تمام ماجرا را روشن نمی‌کند. تنها افرادی که از این برنامه‌های بازپروری آزاد می‌شوند، کسانی هستند که در واقع اعمال تروریستی داخل عربستان سعودی انجام نداده‌اند.

دولت عربستان همچنین تلاش می‌کند از آنچه کمپین آگاهی عمومی نامیده است استفاده کند. هدف این کمپین «تقویت ارزشهای راستین ایمان اسلامی و آموزش خطرهای افراطی‌گری و تروریسم به شهروندان سعودی» است (Information Office, November 2012) طبق گزارش سفارت عربستان در واشنگتن دی سی، این کمپین بر مبنای اطلاع‌رسانی‌های خدمات عمومی قرار دارد که از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای عربی و تلویزیون سعودی پخش می‌شوند (Information Office, November 2012: 5 and 6). دولت سعودی همچنین مصاحبه‌هایی اجباری با ستیزه‌جویان سابق ترتیب می‌دهد؛ یعنی کسانی که به ظاهر از اعمال بد خود پشیمان شده‌اند و مشتاق هستند برای سعودی‌های تأثیرپذیر نسبت به گذشته خود اظهار تأسف و ندامت کنند. از جمله اولین افراطی‌های سابق که در تلویزیون از دیدگاه‌های پیشین خود تبری جسته‌اند چندین روحانی مشهور بودند که در سال ۲۰۰۳ در پی حملات القاعده در ریاض دستگیر شدند (Jones:4). اخیراً اعضای سابق القاعده در شبه‌جزیره عربستان^{۱۸} (AQAP) در انظار عمومی از حمایت تروریسم دست کشیدند. یکی از این افراد جابر الفیفی بود که گفته می‌شود درباره یک نقشه تروریستی اطلاعات ارزشمندی را به سعودی‌ها داده است. طبق این نقشه که در اکتبر ۲۰۱۰ و از یمن آغاز شد قرار بود مواد منفجره در هواپیماهای باربری جاسازی شده و به آمریکا منتقل شوند (Murphy, November 2, 2010). چهره

۱۸. al-Qaeda in the Arabian Peninsula

سرشناس دیگر محمد الاوافی است، او فرمانده سابق القاعده در شبه جزیره عربستان و زندانی سابق در خلیج گوانتانامو بود. پس از اینکه الاوافی در فوریه ۲۰۰۹ تسلیم مقامات یمنی شد در نوامبر ۲۰۱۰ در تلویزیون ظاهر شد تا درباره تجربه خود و چگونگی بهره‌بردن این سازمان از جوانان سعودی برای پیشبرد مأموریت خود، سخن بگوید.^{۱۹}

این بدان معنا نیست که کمپین آگاهی عمومی موفق شده است سعودی‌ها را از افراطی‌گری رها کند و یا آن‌ها را متقاعد کند تا عضو سازمان‌های نظامی نشوند. البته روحانیون سعودی بخشی از تلاش‌های این حکومت برای مبارزه با افراطی‌گری هستند؛ اما وقتی تنش‌های فرقه‌ای ایجاد می‌کنند یا از مبارزه در جهاد در کشورهای خارجی حمایت می‌کنند، پیام‌های متناقضی ارسال می‌کنند. به عنوان مثال طی جنگ مدنی جاری در سوریه روحانیونی همچون محمد العریفی شورشیان سوری را تشویق می‌کرد که حامیان بشار اسد را ذبح کنند، که این حامیان ایران و حزب‌الله و علوی‌های سوری را نیز شامل می‌شود (Sheikh Arifi May 31, 2013). حتی مفتی اعظم این کشور عبدالعزیز الشیخ با حمله به حزب‌الله می‌گوید «ما تمامی سیاست‌مداران و روحانیون را تشویق می‌کنیم علیه این گروه فرقه‌ای نفرت‌انگیز (حزب‌الله) و تمامی کسانی که از آن حمایت می‌کنند اقدامات محکمی صورت دهند تا مانع از این خشونت شوند.» ("Grand Mufti Urges Muslim World to Flay Hezbollah" June 2013)

پس از شورش‌های عربی

اعتراضات گسترده باعث سرنگونی متحدان دیرینه سعودی در مصر و تونس شد و بازگشت اسلام‌گرایان را به قدرت نوید داد، به همین دلیل حکومت سعودی تلاش کرد درخواست‌های مشابه را برای اصلاحات ملی در عربستان به تأخیر بیندازد. طی سال ۲۰۱۱ شاه‌عبدالله بسته‌های یارانه را به ارزش حدود ۱۳۰ میلیارد دلار توزیع کرد تا به این شهروندان سعودی رشوه داده باشد. از جمله اقدامات این شاه ایجاد ۶۰ هزار شغل در وزارت کشور، ۵۰۰ هزار منزل مسکونی جدید و تعیین حداقل دستمزد ۳۰۰۰ ریال

^{۱۹} <http://www.youtube.com/watch?v=6VsNIeKV14I>

سعودی (۸۰۰ دلار) در ماه، برای بخش عمومی [در برابر دستمزد متوسط ۱۰۰۰ ریال سعودی در ماه برای بخش خصوصی] بود (Hertog, May 31, 2011). به‌علاوه دولت ۱۰/۷ میلیارد به بودجه توسعه خود تزریق کرد که برای ساخت منزل مسکونی و ازدواج و شروع کسب و کارهای کوچک، وام‌های بدون بهره ارائه می‌داد. (Schanzer and Miller, May 14, 2012)

اما حکومت سعودی همچنین بر کمک از سوی روحانیون مجاز و غیرمجازی تکیه کرد که در شبکه‌های مجازی فیسبوک و توئیتر به انتقاد از فعالان پرداخته و فتاوی‌ای در حمایت از رژیم صادر می‌کنند. در ششم مارس ۲۰۱۱ بالاترین هیئت دینی کشور، شورای علمای ارشد، از همگان خواست تا «تمام تلاش خود را برای افزایش همبستگی و ارتقای وحدت و هشدار علیه تمامی عوامل خلاف آن» به کار گیرند و به‌علاوه درباره «گرایش‌های متعصبانه و افکار منحرف [شیعه]» به سعودی‌ها هشدار داد، گرایش‌هایی که می‌تواند ثبات سعودی را تهدید کند. روحانیون دیگر تهدید کردند که اعتراضات احتمالی را با خشونت پاسخ خواهند داد. سعد البوریک، عضو برنامه مشورتی حکومت برای آموزش مجدد افراطی‌ها، خواستار «خردکردن جمجمه کسانی شد که تظاهرات به راه می‌اندازند و یا در آن‌ها شرکت می‌کنند» (Al-Rasheed, March 14, 2011)

در پایان، مجموعه یارانه‌های دولتی و حمایت روحانیون [غیر از آرایش‌های امنیتی قاطعانه] به‌طور موقت مانع از راهپیمایی‌هایی شد که می‌توانست این حکومت استبدادی را سرنگون کند. اما همه این اقدامات به خوبی عمل نکردند. به دلیل سیاست بازداشت نامحدود زندانیان «امنیتی»، راهپیمایی‌ها از ریاض به استان شرقی گسترش یافت و سعودی‌های شیعه و سنی در درخواست خود برای عدالت متحدتر و جسورتر شدند (Miller, October 10, 2012). در ضمن، علمای غیرمجاز به زحمت تریبون محکمی را در رسانه‌های اجتماعی ایجاد کردند که کنترل آن برای حکومت مشکل بود. از آنجا که این روحانیون به‌طور عمده درون خطوط قرمز دولت بازی کرده‌اند تاکنون در پیام‌رسانی عمدتاً بدون گیر و بند عمل کرده‌اند (Schanzer and Miller, 2012). این مهم است که به یاد آوریم طی قرن بیستم رژیم سعودی چندین رویارویی عمده

با اسلام‌گرایان داشته است [اخوان، صحوه، جهادی‌ها و SM] در هر مورد دولت با آمیزه‌ای از اقدامات سرکوب‌گرایانه و اغوای مخالفان، در نهایت توانست مخالفت‌های عمومی را از بین ببرد. اما صحنه سیاسی کنونی در عربستان سعودی و جهان عرب به سرعت در حال تغییر است. مردم عرب که به تازگی قدرت یافته بودند از طریق قدرت خیابان توانستند تغییرات اثرگذاری ایجاد کنند و حکومت عربستان به هیچ وجه از چالش‌های مشابه در امان نیست. اگرچه استراتژی داخلی این حکومت سلطنتی توانسته است تاکنون نارضایتی‌های سیاسی را مهار نماید اما این امر ادامه‌دار نیست. ملک عبدالله [یا هرکسی که جانشین وی شود] لازم است برای پاسخ گفتن به نگرانی‌های شهروندان سعودی اصلاحاتی جدی صورت دهد. پادشاهان عربستان سعودی قادر نخواهند بود تا ابد با رشوه و سرکوب جلوی نارضایتی‌ها را بگیرند.

1. Ahrari M. Ehsan, "Saudi Arabia: A Simmering Cauldron of Instability?" *BrownJournal o/WorldAjfoirs*, Summer/Fall 1999. <http://www.watsoninstitute.org/bjwa/archive/6.2/Essay/Ahrari.pdf>.
2. AI-Rasheed Madawi, *Contesting the Saudi State* (Cambridge: Cambridge University Press, 2007).
3. -----, "Preachers of Hate as Loyal Subjects," *New York Times*, March 14, 2011, www.nytimes.com/roomfordebate/20/03/14/how-stable-is-saudi-arabia/preachers-of-hate-as-loyai-subjects.
4. -----, *A History o/Saudi Arabia*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2002).
5. Alexiev Alexander, "The Wages of Extremism: Radical Islam's Threat to the West and the Muslim World," *Hudson Institute*, March 2011. <http://www.hudson.org/files/publications/AAlexievWagesofExtremism032011.pdf>.
6. -----, "The End of an Alliance," *National Review*, October 28, 2002, <http://old.nationalreview.com/flashback/flashback-alexiev112602.asp>.
7. Allam Abeer, "Saudi Arabia Arrests Linked to Al-Qaeda Threat," *Financial Times*, August 9, 2013, <http://www.ft.com/intl/cms/s/0107bb9dda-00cb-11e3-a90a-00144feab7de.html#axzz2c4EAvc1>.
8. "Al-Qaeda in the Arabian Peninsula," *Al Jazeera* (Doha), December 29, 2009, <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2009/12/2009122935812371810.html>.

9. Bachar Shmuel, Shmuel Bar, Rachel Machtiger and Yair Minzili, Establishment Ulama and Radicalism in Egypt, Saudi Arabia, and Jordan (Washington, DC: Hudson Institute, December 2006), http://www.currenttrends.org/docLib/20061226_UlamaandRadicalismfinal.pdf.
10. Beranek Ondrej, "Divided We Survive: A Landscape of Fragmentation in Saudi Arabia," Brandeis University Crown Center for Middle East Studies Middle East Briefno. 28, January 2009, 3, <http://www.brandeis.edu/crown/publications/meb/MEB33.pdf>.
11. -----, "The Sword and the Book."
12. Blanchard Christopher and Prados Alfred, "Saudi Arabia: Terrorist Financing Issues," Congressional Research Service, September 14, 2007, 6, <http://www.fas.org/sgplcrs/terror/RL32499.pdf>
13. Bronson Rachel, "Rethinking Religion: the Legacy of the U.S.- Saudi Relationship," The Washington Quarterly, Autumn 2005, 127, http://www.twq.com/05autumn/docs/05autumn_bronson.pdf.
14. -----, Thicker than Oil America's Uneasy Partnership with Saudi Arabia (New York: Oxford University Press, 2006), 147-8.
15. Coker Margaret, "Assassination Attempt Targets Saudi Prince," Wall Street Journal, August 29, 2009, <http://online.wsj.com/article/SB125144774691366169.html>.
16. Commins David, "The Jihadi Factor in Wahhabi Islam," UCLA Center for Near Eastern Studies, November 13, 2007, 8, <http://www.international.ucla.edu/cms/files/davidcomminsrvsd.pdf>.
17. -----, The Wahhabi Mission and Saudi Arabia (London:LB. Tauris & Co Ltd., 2009), 152-3.
18. For a detailed discussion, see Raymond Ibrahim, "Al-Qaeda," in the AFPC World Almanac of Islamism, http://almanac.afpc.org/sites/almanac.afpc.org/files/AI%20Qaeda_0.pdf
19. For al-Arefe's Twitter page, see <http://twitter.com/MohamadAlarefe>; For his Facebook page, see www.facebook.com/3refe.

20. For al-Qarnee's Twitter page, see <https://twitter.com/Dcalqarnee>;
For his Facebook page, see www.facebook.com/dralqarnee?sbwall.
21. For Forbes Middle East's List, see
[www.forbesmiddleeast.com/arabic/More than -100 - Character - Arab
- presence - on - twitter](http://www.forbesmiddleeast.com/arabic/More%20than%20-100%20-%20Character%20-%20Arab%20-%20presence%20-%20on%20-%20twitter).
22. For the video of al-Awfi's Saudi television appearance, see
<http://www.youtube.com/watch?v=6VsNIeKV14I>.
23. For videos of the protests in Awwamiya, see
<http://www.youtube.com/watch?v=dPLF5fGvYNA&feature=youtu.be>
and
http://www.youtube.com/watch?v=JQsgTEBoH_E&feature=youtu.be.
24. For the full Arabic text of the fatwa, see
<http://www.assakina.com/fatwa/6834.html>; For an English translation,
see www.salafitalk.net/st/viewmessages.cfm?Forum=9&Topic=12255.
25. Graham-Harrison Emma, "Saudi Arabia Funding \$100M Kabul Mosque and Education Centre," The Guardian, November 2, 2012,
<http://www.theguardian.com/world/2012/nov/02/saudi-arabia-funding-kabul-mosque>.
26. Grand Mufti Urges Muslim World to Flay Hezbollah," Saudi Gazette, June 7, 2013, <http://www.saudigazette.com.sa/index.cfm?method=home.regcon&contentid=20130607168855>.
27. Hayes Stephen F. and Joscelyn Thomas, "Obama Administration Endorses 'Jihad Rehab' Program in Yemen," WeeklyStandard, January 12, 2011, http://www.weeklystandard.com/blogs/obama-administration-endorses-jihad-rehab-facility-yemen_533515.html.
28. Hegghammer Thomas and Stephane Lacroix, "Rejectionist Islamism in Saudi Arabia: The Story of Juhayman Al-'Utaybi Revisited,"
International Journal of Middle East Studies 39, 2007, 115,
http://hegghammer.com1_files/Hegghammer-Lacroix_-_RejectionistIslamism_in_Saudi_Arabia.pdf.

29. Hegghammer Thomas, "Islamist Violence and Regime Stability in Saudi Arabia," *International Affairs* 84, no. 4 (2008), http://hegghammer.Com/_files/Hegghammec-Isiamiscviolence_and_regime_stability_in_Saudi_Arabia.pdf
30. -----, "Saudis in Iraq: Patterns of Radicalization and Recruitment," *Revues.org*, June 12, 2008, <http://conflits.revues.org/index10042.html>.
31. -----, "Terrorist Recruitment and Radicalization in Saudi Arabia," *Middle East Policy*, Winter 2006, 42, http://chenry.webhost.utexas.edu/usme/2007/Saudi-Terrorist_Recruitmen_87543a.pdf
32. Hertog Steffen, "The Costs of Counter-Revolution in the GCC," *Foreign Policy*, May 31, 2011, http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2011/05/31/the_costs_of_counter_revolution_in_the_gcc.
33. Information Office, "Initiatives and Actions to Combat Terrorism," Royal Embassy of Saudi Arabia (Washington, DC), November 2012, <http://www.saudiembassy.net/files/PDF/Reports/Counterterrorism.pdf>, page 5.
34. Initiatives and Actions to Combat Terrorism," pages 5 & 6.
35. Jones, "The Clerics, the Sahwa and the Saudi State," 4.
36. Kingdom of Saudi Arabia, Ministry of Interior, General Directorate of Investigation, "Wanted Terrorists: List 47," accessed August 16, 2013,
37. Matthiesen Toby, "Saudi Arabia's Shiite Escalation," *Foreign Policy*, July 10, 2012, http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2012/07110/sable_rattlin~in_the_gulf.
38. Miller Steven, "The" Kingdom Boils," *The National Interest*, October 10, 2012, <http://nationalinterest.org/commentary/the-kingdomboils-7569>.

39. Mosque Has Violent Past," New York Times, August 2,1987, <http://www.nytimes.com/1987108/02/world/mosque-has-violent-past.html?src=pm>.
40. Moussalli Ahmad, "Wahhabism, Salafism, and Islamism: Who is the Enemy?" American University of Beirut, January 2009, 6, <http://conflictsforum.org/briefings/Wahhabism-Salafism-and-Islamism.pdf>
41. Murphy Dan, "Who Saved the Day in Yemen Bomb Plot? Once Again, a Muslim," Christian Science Monitor, November 2, 2010, <http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2010/1102/Whosaved-the-day-in-Yemen-bomb-plot-Once-again-a-Muslim>.
42. National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States, "The 9/11 Commission Report," July 22,2004.
43. O'Connor Anahad and Schmitt Eric, "Terror Attempt Seen as Man Tries to Ignite Device on Jet," New York Times, December 25, 2009, <http://www.nytimes.com/2009/12/26/us/26plane.html>.
44. Qurat ul ain Siddiqui, "Saudi Arabia, UAE Financing Extremism in South Punjab," Dawn, May 22, 2011, <http://www.dawn.com/2011/05/22/saudi-arabia-uae-financing-extremism-in-south-punjab.html>
45. Qusti Ra'id, "Saudi Telethon Funds Go Direct to Palestinian Victims," Arab News (Jedda), May 27, 2002, <http://archive.arabnews.com/?page=1§ion=O&article=15591&d=27&m=5&y=2002>.
46. Qutb Sayyid, Milestones (Lahore: Kazi Publications, 2007).
47. Rabasa et al., Deradicalizing Islamist Extremists; Find the al-Sakina program online at <http://www.assakina.com/>.
48. Rejectionist Islamism in Saudi Arabia: The Story of Juhayman Al-Utaybi Revisited," page 117.
49. Ross Brian, "U.S.: Saudis Still Filling Al Qaeda's Coffers," ABC News, September 11,2007.
50. Saudi Arabia Backgrounder: Who Are The Islamists?," International Crisis Group, September 21, 2004, 2,

<http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/saud/themes/background.pdf>.

51. Saudi Arabia Puts 50 Al Qaeda Suspects on Trial," Reuters, April 8, 2012, http://articles.chicagotribune.com/2012-04-08/news/sns-rtus-saudi-trialbre83709h-20120408_1_al-qaeda-members-saudi-arabia-saudi-press-agency.

52. Saudi Arabia: Cleric Who Backed Protests on Trial for His Life," Human Rights Watch, May 11, 2013, <http://www.hrw.org/news/2013/05/10/saudi-arabia-cleric-who-backed-protests-trial-hislife>.

53. Schanzer Jonathan and Miller Steven, "Saudi Clerics Funnel Cash to Syrian Rebels through Terror Group," Weekly Standard, June 12, 2012, http://www.weeklystandard.com/blogs/saudi-clerics-funneltocash-syrian-rebels-through-terror-group_647141.html.

54. -----, Facebook Fatwa: Saudi Clerics, Wahhabi Islam, and Social Media (Washington, DC: FDD Press, 2012), www.defenddemocracy.org/stuff/.../facebook_fatwa_low_res_2.pdf

55. -----, "How Saudi Arabia Survived - So Far," The Journal of International Security Affairs, May 14, 2012, <http://www.defenddemocracy.org/media-hit/how-saudi-arabia-hassurvivedso-far/>.

56. Sheikh Arifi: Battle of the "short" watershed in the history of modern Islam" Al-Moslim, May 31, 2013, <http://www.almoslim.net/node/184327>.

57. Shia Man Shot Dead in Saudi Arabia," Reuters, June 22, 2013, <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/2/8/74674/World/Region/Shia-man-shot-dead-in-Saudi-Arabia.aspx>.

58. The House of Saud: The Fatwa of the 26 Clerics: Open Sermon to the Militant Iraqi People," PBS Frontline, February 8, 2005, <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/saud/etc/fatwa.html>.

59. Two Die During Saudi Arabia protest at Shia Cleric Arrest," BBC (London), July 9, 2012, <http://www.bbc.co.uk/news/world-middleeast-18768703>.